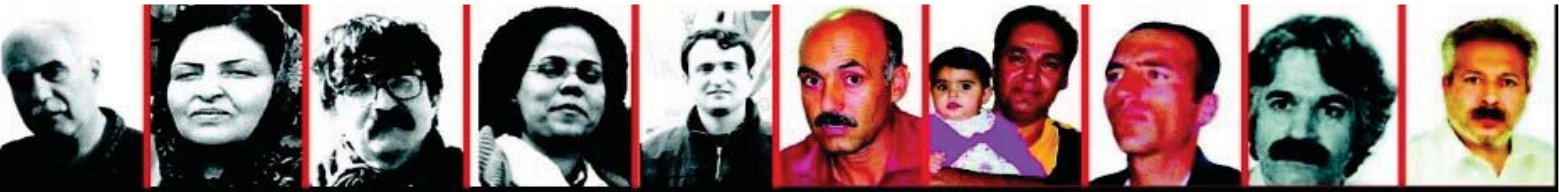
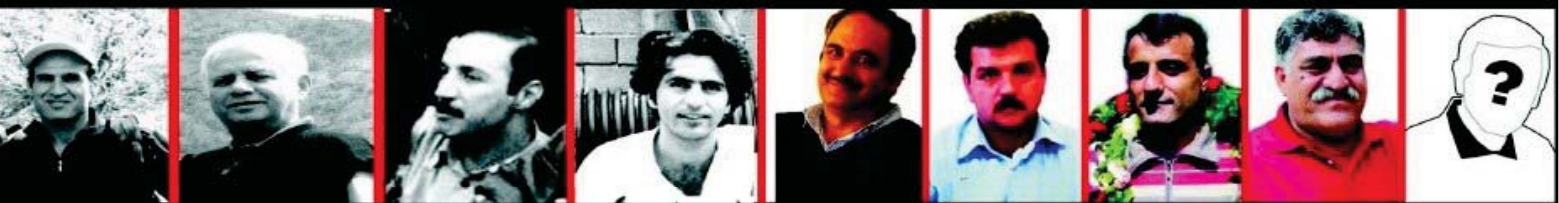


کوردستان

آبان ۱۳۹۱ // شماره ۷۰



کارگر زندانی آزاد باید گردد



کارگران و زحمتکشان . جوانان و

دانشجویان انقلابی و خلق های تحت

ستم بپا خیزید و زنجیرهای ستم

و استعمار را پاره کنید!

در برابر اراده پولادین و عزم

آهنین شما هیچ نیروی را یارای

مقاومت نیست!



در این شماره ...

رژیم در آستانه فروپاشی اقتصادی

قاچاق مواد مخدر و نقش جمهوری اسلامی در تولید و توزیع آن

بی تفاوتی جمهوری اسلامی و ارگانهای فاسد آن در کمک رسانی به مناطق زلزله زده آذربایجان شرقی

زحمتکشان نواحی مرزی در کردستان و بلوچستان یک بار دیگر هدف نیروهای مزدور جمهوری اسلامی قرار گرفتند

زمانی که ارزشها همگی به سخره گرفته میشوند!

انقلاب سوسیالیستی اکتبر و حل مسئله ملی در کشور شوراهما . به مناسبت انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

. برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

رژیم در آستانه فروپاشی اقتصادی

رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی که در قیام بهمن 57 بر سرنوشت جامعه ایران حاکم گردید اکنون بیش از 33 سال است که زندگی اجتماعی و اقتصادی توده های زحمتکش را با فلاکت و ورشکستگی روبرو ساخته است که روز به روز نیز بر شدت آن افزوده میشود. فقر و فلاکت که پدیده جدید در حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی نیست زندگی توده های عظیم مردم را درهم شکسته، سرکوب و شکنجه و اعدام و بی عدالتی و نقض ابتدائی ترین حقوق انسان از طرف ارگانهای سرکوبگر رژیم اعمال می گردد.

فقر اقتصادی، توقف تولیدات، گرانی غیر قابل تصور، بیکاری و گرسنگی، اخیراً ابعاد بی سابقه ای بخود گرفته است و هر روزه بر شدت آن افزوده می گردد. بی ارزش شدن پول ملی و کاهش ذخائر ارزی کشور و افزایش سرسام آور قیمتها، بی پاسخ ماندن احتیاجات اولیه توده ها و پایین آمدن قدرت خرید، توده های مردم را هر روزه به وخامت بیشتری سوق میدهد. اگر چه در طول مدت حاکمیت جمهوری اسلامی روزی نبوده است که فقر و فلاکت سایه سنگین خویش را بر سر توده ها نگسترانده باشد، اما هنگامی که با دیگر سیاستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی علیه توده ها در هم آمیخته میشود، بار سنگین فقر و فلاکت بر دوش توده های کارگر و زحمتکش سنگینتر از هر زمان دیگر خواهد شد. شدت گرانی آنچنان سیر صعودی را طی می کند که حتی روزنامه های حکومتی نیز زبان به اعتراف گشوده اند و در مقابل اعتراضات مردم ناگزیر شده اند تا مشکلات را در روزنامه ها منعکس کنند. و هر از چند گاهی با مزاح و خوشمزگیهای چندش آور به نقل مصیبتهای وارده بیردازند. آری اگر روزنامه های حکومتی سخن به اعتراف می گشایند، قبل از آنکه قصد انعکاس واقعیتهای جامعه را داشته باشند، تلاش می ورزند تا سردمداران حکومت ارتجاع را از اعتراضات توده ای که بر اثر گرانی و تورم و غیره اوج میگیرد آگاه سازند و راه مقابله با

آن را گوشزد نمایند. و در رسانه های فوق ارتجاعی رژیم در قالب طنزهای پوچ و بی محتوا و با چاشنی الفاظ لمپنازه به شعور توده ها توهین نموده و درد و رنج حاصل از حاکمیت مرتجعین را امری طبیعی جلوه داده که برای خنده و مزاح نیز بسیار مفید بوده و چندان مهم نمیباشد و چنین به توده ها پوزخند زده و آنها را تحقیر مینمایند.

به دنبال تشدید تحریمها اقتصادی و سیاستهای توسعه طلبانه و جاه طلبانه رژیم در منطقه و ادامه پروژه شکست خورده اتمی و سقوط ارزش ریال در چند ماه گذشته، دوجناح اصلی حاکم به مقابله آشکار با یکدیگر برخاسته و در درون هر یک از دو جناح نیز دسته بندیهای رنگارنگی شکل گرفته است. هر جناح مدعی حل بحران به شیوه خاص خود می باشد و جناح دیگر را مسئول بحران و وخامت اوضاع معرفی می کند. اما رژیم در کلیت آن نه فقط بنا به ماهیت طبقاتی بورژوائی و خصلت مذهبی خود قادر نیست بر این بحران فائق آید بلکه با تشدید بحران سیاسی و اقتصادی موجود با تضادهای حادثی روبرو خواهد بود. آنچه که روشن است این است که وضعیت کشور، از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی تغییر و تحول تازه ای را در دامان خویش میپروراند.

امروز در بحبوحه اوضاع بحرانی جامعه وظیفه ای بسیار سنگین و سرنوشت ساز بردوش کارگران و زحمتکشان ایران قرار دارد.

در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی با بحران کنونی قادر نیست بحیات ننگین اش ادامه دهد و زمینه را برای سرنگونی سریع تر خود فراهم میآورد. طبقه کارگر که تاریخ بشریت، رسالت دگرگونیهای عظیم اقتصادی - اجتماعی و سیاسی عصر ما را بردوش آن نهاده است، تنها نیرویی است که قادر است در مبارزه سرنوشت سازاتی جامعه را بسوی پیشرفت و ترقی و سوسیالیسم و دنیائی فارغ از هرگونه ستم و استثمار رهبری نماید و نشان دهد که انقلاب راه حل قطعی همه بحرانهاست.

ایران به یک تحول اساسی در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیازمند است که تنها از طریق یک انقلاب اجتماعی بر علیه سیادت سیاسی و اقتصادی اقلیت محدود جامعه ممکن و قابل تحقق است.

اولین گام در این راه، سرنگونی جمهوری اسلامی، انهدام ماشین

دولتی و دستگاههای مقتدر

اداری و نظامی بورژوائی و

برقراری نظامی فدراتیو و

شوارنیست که در آن اکثریت

مردم از فرهنگها و ملیتهای

مختلف برای اولین بار به دخالت

در زندگی خود می پردازند و

برای ساختن آگاهانه جامعه ای

که در آن استثمار انسان بوسیله

از تبعیض جنسی و نژادی، از

سرکوب، زندان و شکنجه، اعدام

و از بیکاری، بی مسکنی، فقر،

از انهدام محیط زیست و ...

خبری نباشد، اقدام می کنند.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست،

واژگونی جمهوری اسلامی

بمثابه برجسته ترین تکیه گاه

نظام سرمایه داری حاکم بر

ایران و سرسخت ترین دشمن

آزادی طبقه کارگر و جایگزینی

آن توسط یک جمهوری فدراتیو

شورایی را وظیفه عاجل خود می

داند.

بی تفاوتی جمهوری اسلامی و ارگانهای فاسد آن در کمک رسانی به مناطق

زلزله زده آذربایجان شرقی



این حقیقت که رژیم قرون وسطائی جمهوری اسلامی بنا به ساختار ش نمی تواند گری از مشکلات مردم بگشاید و جز فقر، بیکاری و فلاکت چیزی دیگری برای مردم نداشته واقعیتی است انکار ناپذیر که دیگر بر همگان اشکار است . در حالی که بیش از 2 ماه از وقوع زلزله آذربایجان شرقی میگذرد علیرغم وعده و وعیده های مرتجعین حاکم ،

جهان که بشریت با قدرت خلاقیت و دانش خود بر تمامی مصائب مهار می زند ، مصیبت مردم کشور ما هم چنان گرفتار بودن در دست رژیم مرتجعی است که دشمن دانش و پیشرفت جامعه و در نتیجه هرگونه اندیشه برای رهایی به ابزار و وسائل تامین سعادت شایسته برای مردم کشور ماست . رژیمی که خود بزرگترین مشکل مردم ما ، حامل

خلق زحمتکش و فقیر و زیر راه و شهرسازی رژیم یک هفته بعد از وقوع زلزله گفت مناطق زلزله زده که که بازسازی تمام خانه های تخریب شده در منطقه قبل از آغاز متحمل خسارات مالی و فصل سرما به پایان می رسد و افزود: بازسازی همه واحدهای مورد نیاز در مدت ۴۵ روز امکان پذیر است"

هنوز بی سرپناه و فاقد امکانات اولیه زندگی هستند و سرمای شدید در حال لرزاندن زلزله زدگان است و با بی خانمانی و گرسنگی و سرما و هزار بدبختی دیگر دست و پنجه نرم می کنند . روز چهارشنبه 19 مهر در پی وقوع آتش سوزی در چادرهای زلزله زدگان در روستای "قراجا" در شهرستان هریس، ۲۴ چادر دستخوش حریق شد و یک زن ۷۰ ساله بر اثر سوختگی شدید درگذشت.

فقر و بدبختی و فلاکت و کشتارهای دهها و صدها هزار نفری برای آنها بوده است و اینک با اطلاع از فاجعه طبیعی بدون هیچ تدبیر و یا اقدامی گسترده ، تنها در اندیشه آن است که کنترل بر مناطق بلا زده و مردم هستی باخته را از دست نداده و در گوشه ای از خاک کشور عرصه را نبازد .

با توجه به کوهستانی بودن مناطق زلزله زده و سرمای شدید ، بنا به گزارش رسیده هنوز آوارها برداشته نشده است و هیچ اقدام عملی از سوی عوامل رژیم برای کمک به زلزله زدگان انجام نشده و به بهانه های مختلف مانع از کمک ها و امدادهای داوطلبان که به منظور کمک به هموطنان صورت میگرد می شوند . برآستی آیا فقط خشم طبیعت مسبب آوارگی و بی خانمانی مردم هستی باخته مناطق زلزله زده است ؟ قطعاً جواب منفی است چرا که در شرایط امروز

با گذشت بیش از دو ماه از زلزله رسانه ها دیگر درمورد آن حرفی نمی زنند ، اما هر کس در هر کجا که باشد باید بداند که مردم زلزله زده همچنان بی سرپناه و گرسنه هستند و رژیم جمهوری اسلامی و ارگانهای فاسد و ارتجاعی آن در کمک رسانی به آنها بی تفاوت هستند . رژیمی که در طی حاکمیت خود هزاران هزار انسان پاک و صادق کشور را به جوخه های اعدام سپرده و رژیمی که انسانها را همچون گله های حیوانی ، سالها گوشت دم توپ خو ساخته و به دست وادی مرگ و نیستی فرستاده ، طبیعی است که هیچ تلاشی برای کمک رسانی و حفظ جان مردم نکند .

ما ضمن نگرانی عمیق از وضع زلزله زدگان همه مردم انساندوست را جهت همیاری و کمک به آسیب دیدگان فرا میخوانیم و تاکید میکنیم که رژیم حاکم و ارگانهای فاسد آن شایسته اعتماد نبوده و نیستند تا کمکهای مردمی به آنها سپرده شود .

زحمتکشان نواحی مرزی در

کردستان و بلوچستان یک بار دیگر

هدف نیروهای مزدور جمهوری

اسلامی قرار گرفتند

شامگاه سه شنبه 25 مهر گروهی از کولبران و کاسبکاران کرد در "دولهبی" و "دمره زهرتکه" واقع در چند کیلومتری شهرستان سردشت توسط نیروهای مزدور جمهوری اسلامی که بلندی ها "دوله بی" را احاطه کرده بودند هدف حمله قرار گرفته و بر اثر آن تعدادی از این کاسبکاران زخمی شدند. چند نفر از این کولبران نیز که از این حادثه جان سالم به در برده بودند توسط هنگ مرزی آذربایجان غربی بازداشت شدند.

طبق گزارش فعالان حقوق بشر در ایران ، در هفته گذشته در شهرستان سرباز واقع در سیستان و بلوچستان نیروهای انتظامی با آتش گشودن به سمت کاروانی از کاسبکاران بلوچ شش تن از آنها را بقتل رساندند و عده ای دیگر نیز زخمی شدند.

سالانه صدها تن از زحمتکشان مناطق مرزی که در فقر و بیکاری بسر می برند ، در ازای دریافت مبلغ ناچیزی که کفاف سیر کردن شکم زن و فرزندانشان را نمیدهد و راهی دیگری جز قاچاق کالا و یا حمل کالاهای نظیر صابون و چای و غیره را ندارند از سوی نیروهای مزدور و جنایتکار جمهوری اسلامی هدف گلوله قرار می گیرند.

مزدوران جمهوری اسلامی هر روز با هدف قرار دادن سینه فرزندان زحمتکش نواحی مرزنشین کشور که با تحمل رنج و مشقت فراوان به قاچاق کالا در نواحی مرزی مشغولند و در شرایط بحران و گرانی و بیکاری ناشی از دزدی و غارت مافیای قدرت و ثروت حاکم بر ایران چاره ای جز امرار و معاش از این طریق ندارند ، برگ سیاه دیگری بر کارنامه پر از قتل و جنایت خویش و سردمداران فاسدشان می افزایند .

قاچاق مواد مخدر و نقش جمهوری اسلامی در تولید و توزیع آن

ده زندانی متهم به قاچاق مواد مخدر در زندان اوین اعدام شدند

ده تن از زندانیان متهم به قاچاق مواد مخدر که روز ۱۹ مهرماه از زندان قزل حصار به زندان اوین منتقل شده بودند، سحرگاه روز دوشنبه ۱ آبان در زندان اوین اعدام شدند. بنا به گزارش هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، سحرگاه روز دوشنبه ۱ آبان ۱۰ تن از زندانیان متهم به قاچاق مواد مخدر که ۱۹ مهرماه از زندان قزل حصار به بند ۲۴۰ زندان اوین منتقل شده بودند اعدام شدند. این ۱۰ تن قرار بود روز ۲۰ مهرماه اعدام شوند، ولی اعدام ایشان تا بامداد روز دوشنبه به تاخیر افتاد. این اعدام‌ها در حالی در محوطه اوین صورت گرفت که بستگان این ده تن از شب گذشته در مقابل بیت رهبری و زندان اوین تجمع کرده و خواهان لغو مجازات اعدام بستگانشان و رسیدگی مجدد و عادلانه به پرونده‌های ایشان شده بودند. گفتنی است، شب قبل از اعدام گارد ضد شورش به خانواده‌های تحسن کننده در مقابل زندان اوین حمله کرده و سعی در متفرق نمودن ایشان را کرده بود. بستگان یکی از زندانیان اعدام شده بنام سعید صدیقی به گزارشگر هرانا گفت: سعید بی‌گناه بود. وی در دادگاهی ۱۴ دقیقه‌ای به اعدام محکوم شد در حالی که هیچ‌گاه دست به قاچاق مواد مخدر نزده بود. اسامی برخی از این ۱۰ تن عبارت است از سعید صدیقی، حمید ربیعی، محمدعلی ربیعی، علی درویش، علی مولایی و عباس نمکی. مسئولین به خانواده این ده تن اعلام کرده اند پیکر ایشان را بزودی تحویل خواهند داد.



اگر علت واقعی گسترش اعتیاد در کشور را جستجو کنیم، باید بینیم نقش خود جمهوری اسلامی در تولید و توزیع مواد مخدر چیست؟

حال همگی بر این امر واقفند که جمهوری اسلامی از ابتدای بقدرت رسیدنش منشا گسترش و اشاعه تمامی اعمال نفرت انگیز و زشت نظام سرمایه داری آنهم در آشکارترین شیوه ممکن بوده که مواد مخدر نیز بعنوان یکی از ابزارهای سیه روزی توده های مردم و اسارات آنها از جانب نظام سرمایه داری ایران که جمهوری اسلامی بعنوان روبنای سیاسی آن بشمار می رود ارزیابی میگردد.

واقعیت این است که باندهای اصلی تولید مواد مخدر و قاچاق آنها نه تنها در داخل کشور بلکه صدور آن به اقصی نقاط جهان هم دست اندرکاران خود جمهوری اسلامی هستند.

همه شواهد حاکی از آن است که تولید مواد مخدر و فروش آن یکی از منابع درآمد عظیم جمهوری اسلامی است. بیهوده نیست که در همه " کشفیات " مامورین جمهوری اسلامی باندهای گرداننده چرخ تولید این مواد همیشه مجهول باقی می ماند و تنها اسامی عوامل حمل و توزیع مواد مخدر اعلام میگردد. ولی تولید و توزیع مواد مخدر همچنان ادامه می یابد و بر انبوه قربانیان روزبروز افزوده می شود.

دلیل این امر در این است که قاچاق مواد مخدر نیز مثل تمامی مواردی از این قبیل، در دست باندهای حاکم خود

رژیم جمهوری اسلامی دیو اعتیاد کی زنگ خانه آنها را بصدا در می آورد.

اعتیاد ضمن اینکه خود یک مصیبت عظیم اجتماعی است عواقب خانماسوز دیگری مثل دزدی، فحشا، خود فروشی، خود کشی، مرگ در خیابان و حتی فروش کودکان معصم بمنظور تامین مخارج اعتیاد و غیره را به دنبال دارد.

یکی از مسائلی که رژیم ضد خلقی و ارتجاعی جمهوری اسلامی از همان بدو موجودیت خود همیشه برای " ریشه کن " ساختن آن به انواع و اقسام شیوه ها توسل جسته مسائله مواد مخدر بوده است. آنچه مسلم است جمهوری اسلامی با قانون و بی قانون تاکنون صدها نفر را به جرم اشاعه اعتیاد به جوخه های اعدام سپرده است. اما علیرغم این اعدام ها و کشتارهای بی محابای سران رژیم نه تنها اعتیاد از میان نرفته بلکه دامنه هر چه مخرب تر و گسترده تری نیز یافته است. بهمین دلیل نمیتوان گفت که افزودن تعداد اعدامیهای معتاد به مواد مخدر موجب کاهش این افراد و حل چنین معضل اجتماعی می گردد. آنچه که بایستی به آن فکر کرد این است که روزانه هزاران تن مواد مخدر چگونه پخش می گردد و چگونه و از جانب چه نهاد و ارگان قدرتمندی تولید می گردد و پخش می شود.

رشد شگفت آور قاچاق یکی از ویژگی های سیستم بحران زده سرمایه داری است که در سودای سود بیشتر کلیه موانع انسانی و اخلاقی را زیر پا میگذارد و زندگی انسانها را به تباهی میکشاند.

با وجود آنکه جمهوری اسلامی تاکنون صدها نفر را به جرم اعتیاد حلق آویز و یا اعدام کرده است، اما اعتیاد همچنان در ایران روبه گسترش است. مادام که مردم جزء تیره بختی هیچ چشم اندازی برای آینده خود نمیبینند رواج انواع مصائب از جمله اعتیاد، فحشا و جنایت سیر تصاعدی خواهد داشت. بخصوص در سایه جمهرس اسلامی که خود از بزرگترین تولید کنندگان مواد مخدر در سطح جهان است.

اعتیاد، قاچاق مواد مخدر در جامعه روز به روز ابعاد وسیعتری بخود گرفته و دلالتان مواد مخدر در سایه حمایت رژیم جمهوری اسلامی عرصه جامعه را به بازار بزرگ خرید و فروش و مبادله مواد مخدر تبدیل کرده اند. هزاران خانواده بهم ریخته اند. هزاران خانواده دیگر با یاس و ناامیدی قربانیانی از این بیماری را در جمع خود دارند و صدها خانواده نیز نگران آنند که در سایه اقتصاد ورشکسته و بحران زده

سوسیالیسم و دموکراسی

نظام سوسیالیسم تجلی سازماندهی نوین جامعه ای است که مبانی آن پاسداری از حقوق انسانی و ایجاد شرایط رشد تمامی آحاد و اعضای جامعه بشری می باشد. جامعه ای که هدف آن آزادی واقعی بشریت از تمامی قیود و مصائبی است که نظامهای طبقاتی تاکنونی به پای بشریت زنجیر کرده اند. این نظام اشتراکی تنها به تغییر در مناسبات اقتصادی و سیستم اداره جامعه خلاصه نمی شود. بلکه بطور همزمان وسیع ترین و پیگیرترین آزادهای سیاسی و دستیابی به ارزشهای فرهنگی مناسب با این ساختار اقتصادی - اجتماعی را بوجود میآورد.

سوسیالیسم پایان راه و فرمایشیون اجتماعی اقتصادی ثابتی نیست. بلکه دوران گذار از سرمایه داری به کمونیسم است. در این دوره سنت ها، آثار و عواقب جامعه کهن باقیست و بورژوازی سرنگون شده برای احیای مجدد قدرت با تمام قوا علیه حاکمیت استثمار شوندهگان و ستمدیدگان تلاش خواهد کرد. به همانگونه که تجربه شکست بزرگترین انقلاب کارگری در شوروی نشان داد. مبارزه طبقاتی در دوران ساختمان سوسیالیسم ابعاد جدیدی به خود خواهد گرفت و به سوال کلیدی کی بر کی پاسخ داده خواهد شد. اما در این دوره و در جریان پیشرفت ساختمان سوسیالیسم آنگونه که تجربه شوروی نشان داد ف نه تصور از بین رفتن طبقات و ایجاد عموم خلقی. گذار به جامعه کمونیستی را ممکن خواهد کرد نه ایجاد دیکتاتوری و سرکوب بوروکراسی حزبی - دولتی و غیر سیاسی کردن مردم قادر است واقعیات مبارزه طبقاتی و مشکلات ساختمان سوسیالیسم را حل کند. سوسیالیسم از آزادی و دموکراسی جدایی ناپذیر است. بیان آزاد اندیشه و عقیده و آزادی سیاسی و دخالت و تصمیم گیری مستقیم مردم در برنامه ریزی. تولید. مبادله و در امر سیاست. فرهنگ و غیره تنها ضامن پیشرفت سوسیالیسم و ساختمان پیروزمندانه آن است. انقلاب مداوم و حضور و نقش مستقیم مردم در صحنه تولید. برنامه ریزی و اداره در ساختمان آگاهانه سوسیالیسم. تنها وسیله ای است که پیروزی طبقه کارگر و دیگر توده های مردم را بر اقلیت استثمارگر تضمین خواهد کرد. بطوریکه هیچ قدرتی را یارای درهم شکستن آن نخواهد بود.

کار کمونیستی ارگان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

راه سرخ نشریه فعالین داخل کشور سازمان kar@fedayi.org

ریگای گول ارگان کمیته کردستان سازمان info@kare-online.org

پهره سیلکه نشریه نوجوانان کمیته کردستان kurdistan@fedayi.org

و آخرین اطلاعاتیه ها. مقالات. اخبار و دیگر انتشارات سازمان

را در اینترنت از سایتهای زیر دریافت کنید

www.fedayi.org

www.kare-online.org

جمهوری اسلامی است. کشف صدها کیلو مواد مخدر نیز تنها زمانی علنی می شود که درگیری داخلی این باندها منجر به بیرون افتادن مساله رقابت گروههای مختلف حاکمیت در اشاعه اعتیاد و به جیب زدن سودهای باد آورده به قیمت تباہ نمودن زندگی میلیونها نفر میشود. آنها در این رقابتها بیشتر به سودهای هنگفت خود و گسترش حوزه عمل باندی بر باند دیگر می اندیشند تا مساله اعتیاد و ویرانگری آن.

قوانین جمهوری اسلامی بدون آنکه کاری به منشأ و سرچشمه اشاعه مواد مخدر داشته باشد بمنظور انحراف افکار عمومی و گسترش فضای رعب و وحشت ماشین کشتار خود را به کار میاندازد و صدها تن از قربانیان حرص و ولع نظام فاسدی که خود بر مردم حاکم گردانیده و دلیل اصلی تمامی سیه روزیهاست، اعدام میکنند. و در این میان هم ادعای مبارزه با مواد مخدر میکند و هم توزیع کنندگان اصلی مواد مخدر که کسانی بجز سردمداران رژیم نیستند با خیالی اسوده و بدون هیچگونه هراسی به تولید و توزیع مواد مخدر ادامه میدهند. جمهوری اسلامی نه تنها نمیخواهد بر علیه مواد مخدر مبارزه کند بلکه گسترش و اشاعه مواد مخدر را بعنوان یکی از ابزارهای حاکمیت ننگین سرمایه در سیه روزی توده های مردم و اسارت آنان لازم میداند. افزون ثروت و مال اندوزی سرمایه داران در گرو گسترش مواد مخدر، تن فروشی، و هزاران مصیبت و سیه روزی است که نظام سرمایه داری برای توده ها به ارمغان آورده است. تنها با مرگ و سقوط نظام سرمایه داری و محو استثمار و منفعت طلبی بی حد و حصر سرمایه داران و حامیان آنها است که نسل انسان از قید و بند هزاران مصیبت اجتماعی که زندگی او را تهدید می کند، آزاد خواهد ساخت. آنگاه است که انسان استثمار نخواهد گشت و خود صاحب دسترنج خویش خواهد شد و غارت و دزدی معنی خود را در جامعه از دست خواهد داد.

زمانی که ارزشها همگی به سخره گرفته میشوند!

گردید. به همین دلیل است که این عنصر بی مایه به نفع تمامی ارزشهای انسانی رسیده و در اوج به ظاهر تمول مادیش به فکر امورات خیریه میافتد و در جهت تحقیر هر چه بیشتر انسانها به آنها خیر میکند.

با چنین مقدمه ای اینک میخواهم درک شخصی خویش را از وضعیت بخش اعظم ایرانیان مقیم در کردستان عراق را شرح نمایم.

بخش اعظم ایرانیان مقیم در کردستان عراق بدنبال استقرار حکومت خودمختار کردستان عراق از فعالیتهای منظم تشکیلاتی دست کشیده و یا به خارج کشور _ اروپا و آمریکا و _ سفر نموده و یا در شهرهای کردستان عراق عموماً سلیمانیه و اربیل مستقر گردیده و عموماً زندگی شخصی خویش را دنبال نموده و علاقه ای به ادامه زندگی به شیوه سابق خویش ندارند. این بخش از ایرانیان تنها برای اثبات هویت شخصی خویش در نزد حکومت محلی و روبراه شدن بعضی امورات اداری در هسته های هواداری سازمانها و احزاب محلی کردستان ایران عضویت داشته و فاقد هرگونه فعالیت عملی و حتی تئوریک میباشند و تنها عضویت در هسته های هواداری را با خود یدک میکشند. این بخش از ایرانیان شدیداً درگیر زندگی شخصی خویش بوده و قدرت اندیشیدن به مسایل داخلی و حتی محیط پیرامون خویش را از دست داده اند. در چنین اوضاع و احوالی است که اکثریت قریب به اتفاق آنها با کسب اندوخته ای ناچیز روز به روز به کسب آرامش و بی تفاوتی نسبت به محیط اطراف خویش اندیشیده و هر از گاهی با انتشار خبر اعتراضات داخلی همچون لاک پشت سر از لاک خویش بیرون آورده و با فروکش کردن حوادث داخلی باز هم سر در گریبان خویش فرو کرده و به زندگی شخصی خویش میپردازند. در نزد چنین قشری هر آنچه در گذشته روی داده یا اعمال صرفاً قهرمانانه گروهی از افراد بوده که در حالیکه شایسته ارج نهادن میباشند اما بدون تاثیر بوده و در کل فاقد



نمود. در این هنگام است که روشنفکر خرده بورژوازی وامانده به هر خس و خاشاکی دست میزند تا شاید راهی برای جبران زندگی به زعم خویش از دست رفته اش بیابد و اگر موفق گردید انگاه است که دیگر همه چیز و همه کس در نزد او حقیر و دون شمرده میشوند. آرمانهای انسانی رویاهای دست نیافتنی مثنی انسان ایده آلیست به شمار میاید که در پی ایجاد مدینه فاضله هستند. حقیقت در نزد او واقعیتی است که او در پی بدست آوردن او بوده و تمام فکر و ذهن او را به خود مشغول داشته است. به جایی میرسد که از درک خواستههای عموم مردم جامعه عاجز است و با ژستهای تهوع آور خویش به تمسخر آنها میپردازد. در نزد روشنفکر خرده بورژوا فقر کارگران نه حاصل غارت دسترنج آنها و مصایب تحمیل شده سیستم سرمایه داری بر آنان بلکه اساساً ناشی از بی فکری و بی لیاقتی خود آنهاست که نمیتوانند اندوخته ای داشته باشند. در نزد خرده بورژوازی طفیلی وجود سرپناهی محقر و لقمه ای بخور و نمیر همه چیز است و بایستی به آن قانع بود و در راه بدست آوردن آن به هر خفتی تن داد. او همواره قانع بوده و قانع باقی خواهد ماند و اگر کسی برای احقاق حقوق بیشتر خویش و یا فراتر از آن احقاق حقوق تهیدستان تلاش نماید با کثیفترین واژه های لپنانه مورد حمله و استهزا قرار میگیرد. در نزد خرده بورژوازی حقیر بایستی همچون او اندیشید والا محکوم به شکست خواهی

بدنبال سرکوبهای خونین دهه شصت و کشتار بخش عظیمی از پاکترین و مخلصترین انسانهای انقلابی که بدون هیچ چشمداشتی و با اهدای ارزنده ترین گوهر خویش یعنی جانشان در راه به تحقق رسانیدن اهداف والای انقلابی و انسانی و برابری و آزادی کوشیدند. دوران رکود و خاموشی نسبی بر جنبش حاکم گردید و در این میان هرچند فرصت طلبی و فرصت طلبان چهره خویش را با پیگیری منافع شخصی خویش نمایان ساختند. اما خود این امر منجر به بسط فرهنگ ضد ارزشی خرده بورژوازی روشنفکر نیز در درون جامعه و بخصوص در خارج کشور و در بین ایرانیان خارج کشور نشین گردید و چنین روحيات چندش اوری را گسترش داد. اول از همه اینکه خرده بورژوازی روشنفکر برای توجیه نیل به اهداف و مطامع شخصی خویش رکود جنبش و عدم پراتیک نیروهای درون جنبش را دستاویز قرار داد تا در اوج رخوت و سستی ذاتی خویش چنان وانمود کند که خود او نیز قربانی شرایط حاکم است و نه یکی از عوامل آن. این عناصر به غایت دو آتشه انقلابی چنان وانمود میکنند که در همه حال خواهان عملند و نه چیزی غیر از آن. و اگر جنبش در اثر سرکوبهای گسترده دچار عقب نشینی و یا رکود گردید. دیگر برای آنها و در کل تمامی جامعه همه چیز از دست رفته تلقی گردیده و بایستی به فکر جبران مافات بود و عقب ماندگیهای زندگی شخصی را به هر وسیله ای جبران

ارزش و بحث میباشند . در نزد این قشر خرده بورژوا آنچه ارزش بحث و اندیشیدن دارد اندوختن پول بیشتر و کسب موقعیتهای از دست رفته به هر قیمتی است . اگر خرده بورژوا مستقر در خاک کردستان عراق کسب این موقعیتهای را در گرو تسلیم و فروختن خویش به جمهوری اسلامی در شرایط کنونی میافت یقینا به چنین کاری دست میزد و هر آن آماده بود تا خود را بدون قید و شرط تسلیم نموده و به آغوش پر از مهر و عطف !! جمهوری اسلامی بازگردد . کم نبوده و نیستند چنین دسته ای که با وقوع کوچکترین فشارها به ایران بازگشته و یا حاضرند بازگردند . چنین دسته ای از روشنفکران خرده بورژوا در محفلهای پر از دود و دم خویش با گرفتن ژستهای گوناگون با بینش ناقص خویش از این شاخه به آن شاخه پریده و بدنبال کلی بافیهای بسیار به این نتیجه میرسند که بایستی به جایی رسید . جا مانده ایم . بدون هدفیم . همگی اینها هم در یک جمله خلاصه میشود و آن اینکه هر چه میکشیم از تلاشهای بی هدف گذشته و اصرار بعضیها بر آرمانهایشان است که بایستی در جهت نفی کامل آن از هیچ کوششی دریغ نکرد . بایستی آنها و آرمانهایشان را به باد تمسخر گرفت ، آنها با پستترین واژه های لمپانه چال حسن خانی . البته رشد چنین گرایشاتی پس از سال 2003 و رفت و آمد آزادانه ایرانیان به اینسوی مرزها و بعضا استقرار آنها برای کار و زندگی در کردستان عراق شدیدتر بوده و زمینه های رشد ضد ارزشها را در بین ایرانیان تبعیدی پرورش داد . عنصر خرده بورژوایی اینچنینی به ایجاد روحیات محفلی و تبدیل شور انقلابی به یاس و ناامیدی و جایگزینی ترس و قناعت و چاپلوسی به جای قاطعیت و شهامت و بردباری کمر همت میگمارد . در چنین شرایطی است که ارزشها در نزد وی ضد ارزش و ضد ارزشها ارزش جلوه میکنند و به آن میبالد که در این بازار مکاره تکه نانی هم نصیب وی گردیده و سعی دارد به همگی و افراد

پیرامون خویش بقبولاند که راه درست و منطقی زندگی انست که وی طی کرده و رمز موفقیت و بالا رفتن از پله های ترقی را او میبایست به همه نشان دهد . البته که آموزش در این میان نقش اساسی را میتواند در جهت مبارزه با چنین گرایشاتی ایفا نماید . اما براستی ایرانیان مقیم کردستان عراق که از دو بخش تبعیدیان قدیمی و مهاجرین جدید تشکیل میگردند از چنین آموزشهایی بهره برده و با آن آشنایی دارند . البته که تنها تعداد محدودی درک عمیقی از آن داشته و آنها را در عمل در زندگی خویش بکار بسته اند ، آنها نه در بین مهاجرین جدید که با پاسپورت و اجازه قانونی به اینجا آمده و هیچ انگیزه ای برای ماندن در اینجا ندارند جز کسب درآمد در اینجا و انتقال آن به ایران . این دسته اساسا مایل نیستند به چیزی جز کسب درآمد فکر کنند و زحمت آنرا نیز هم به خود نمیدهند . اساسا این دسته از آن دسته انسانهایی هستند که اگر چه دم از مخالفت با نظام حاکم بر ایران را میزنند و از بیکاری و مصائب سخن میگویند اما در عمل و در زمان اقامتشان در داخل کشور حتی خطر بالقوه ای نیز برای سیستم محسوب نگردیده چرا که در هر شرایطی خود را از بلا دور نگه داشته و تنها در فکر کسب موقعیت و درآمد میباشند . اما اگر چه آنها خطرات بالقوه و بالفعلی برای سیستم بشمار نمیروند ولیکن این دسته از افراد و فکریت و شیوه نگرش آنها به زندگی و محیط اطراف برای جنبش و افرادی که بر اثر ستم و اجحاف دستگاه سرکوبگر و در اثر اعتراض به نظم موجود مجبور به ترک میهنشان گردیده اند خطری بالفعل محسوب گردیده و از همینرو است که تبعیدیان مستقر در کردستان عراق عمیقاً تحت تاثیر شیوه های نگرش آنها به زندگی و محیط اطراف خویش قرار گرفته و احساس بی تفاوتی ، سودجویی ، مطامع شخصی و معامله گری را ارزش تلقی کرده و خارج از این را کج اندیشی و حماقت مینامند . البته زمینه های رشد چنین گرایشاتی از سالها قبل و در طول دوران

اقامت تبعیدیان ایرانی در اردوگاهها و نبود یا ضعف چشمگیر آموزش ایدئولوژیکی آنها وجود داشته . آنجا که نیروهای بالفعل اپوزیسیون نظام حاکم بر اثر ضعف آموزشهای ایدئولوژیکی و رکود حاکم بر جنبش سرخورده گردیده و با پرورش ماکیان و دیگر کارهایی که میبایست تنها در اوقات فراغت انجام گیرد بدنبال زندگی شخصی خویش روان گشتند و اهمیت کار تشکیلاتی و آموزش در نزد آنها بطرز چشمگیری کاسته گشت تا اینکه در نهایت زندگی و کار در خارج از محیطهای تشکیلاتی را که تابع قوانین و ضوابط تشکیلاتی نبود را به کار و فعالیت انقلابی داخل اردوگاه ترجیح داده و سعی نمودند از این نمذ کلاهی نیز برای خود بدوزند و عقب ماندگیهای زندگی شخصی را به هر نحوی از انجا جبران نمایند . به همین خاطر است که اکنون مرزهای بین ایرانیان تبعیدی و مهاجر مخدوش گردیده است و فرق چندانی بین آنها قائل نمیشوند . در شرایطی اینچنینی و با چنین روحیاتی در نزد ایرانیان تبعیدی ، آنان وقوع حرکات و خیزشهای توده ای در داخل را یا از حد معمول و قواره خویش بزرگتر جلوه داده و به شمکاش معکوس برای سرنگونی رژیم خواهند افتاد تا در این رهگذر آنها هم عزم دیار کرده و از در بدری و آوارگی نجات پیدا کنند و در فردای پیروزی قیام سوار بر امواج انقلاب و یا حتی تغییر رژیم از خارج و نه از داخل آنها هم به نان و نوایی دست یافته و جبران مافات نمایند . این یکی خود را استاندار و فرماندار و ... و آن یکی خویش را فرمانده و ژنرال نظامی فرض نموده و در این میان آنچه میببند تنها قدرت بلامنازع خویش و پست و مقامش است و نه اهداف و آرمانهایی که زمانی تصویری هر چند مبهم از آن در ذهن داشته است . این است که چنین عنصری در شرایط کنونی ترجیح میدهد منتظر شکار فرصتها بماند و در لحظه کنونی تنها در فکر کسب موقعیتهای بهتر و اندوخته بیشتری باشد . این چنین بینشی حتی در

زندگی شخصی و روابط چنین فر دی با محیط و افراد پیرامون خویش نیز تاثیر میگذارد و بناچار هر آنچه را که قبلا برایش ارزش به حساب آمده به ضد ارزش تبدیل میگردد و به آنها و کسانی که هنوز بر ان باورها استوارند به دیده تحقیر مینگرد . غافل از اینکه خود در این بین از آن رانده و از این هم مانده شده و گهگاهی بنا به شرایط هم خود را شتر فرض نموده و هم اینکه در شرایطی نیز مرغ بودن خود را به رخ میکشد . دقیقا چنین فردی همچون توابین پروسه تواب سازی را در کوران پرپیچ و خم حوادث سالهای تبعید و دوری طی نموده و نه در شرایط زندان و طی یک پروسه زودگذر فشار و شکنجه داخل زندان . و یا اینکه وقوع حرکات و اعتراضات و خیزشهای داخل را بی اهمیت دانسته و منکر هرگونه بحرانی در داخل و مبوهوت قدر قدرتی نظام حاکم بر ایران و تبلیغات فریبکارانه آن شده و معتقد گردیده که هیچ چیز و هیچ قدرت داخلی قادر به سرنگونی نظام نیست . و در یک کلام خود را به دست قضا و قدر سپرده تا چه پیش آید . یا به درای یا به باری . اگر رژیم ماند که او تلاش میکند تا با کسب موقعیتهای بهتر زندگی خود در اینجا و یا در داخل را تثبیت نماید . و اگر در جریان یک جنگ خارجی و هجوم خارجی سرنگون گردید که یک شبه پوست انداخته و با خودنمایی هر چه بیشتر در فکر کسب موقعیتهای رویایی خویش در داخل کشور میافتد . متاسفانه شرایط کردستان عراق و حاکمیت حزابی که چندین دهه در ایران بدون عمل زیستند و یا با پشتیبانی و حمایت بیدریغ خارجیان بر مسند حکم نشستند در رشد چنین گرایشاتی تاثیر فراوان نهاد و بی عملی و انفعال روزافزون جریانات ایرانی در داخل خاک کردستان عراق و مامشات برای کسب کمکهای مالی از جریانات حاکم بر کردستان عراق که از آن به عنوان بودجه احزاب نا برده میشود بر این رخوت ، سستی و فرصت طلبی جریانات و بدنه آنها یعنی پیشمرگان تاثیر نهاد و آنان به عینه

مشاهده نمودند که آنهایی که همچون آنها مدت زمان مدیدی در تبعید بودند چگونه به یکباره و در شرایطی دور از انتظار خودشان بار و بندیلهایشان را بستند و یک شبه وزیر و وکیل و فرمانده و استاندار و کاربدست از آب درآمدند . چنین کسب موقعیتی هر کسی را که کمترین نصیبی از آموزشهای انقلابی را با خود در چننه داشته باشد میتواند وسوسه نماید تا با قبول کمترین خطر و جسارتی در انتظار لحظه موعود بنشیند . پس نمیتوان از شرایط بوجود آمده ایراد گرفت ، به هیچوجه ، آنچه که مورد ایراد است رخوت و سستی عمدی و یا غیر عمد جریاناتی است که بدنه آنها با چنین چالشی روبرو هستند و هرگز به آموزش ایدئولوژیک نیروهای خویش اهتمام نداده و نخواهند داد . تب و تاب مقطعی آنها همگی ناشی از شرایط توفانی و پر تب و تاب بعد از قیام بود و بس و نه ناشی از نیروی اراده توام با آگاهی انقلابی آنان .

راستی را ...

شعری از برتولت برشت

ترجمه احمد شاملو

.....

راستی را که به دوران سخت

ظلمانی عمر می گذاریم

کلمات بی گناه

ناخردانه می نماید

پیشانی صاف

نشان بیعاری ست

آن که می خندد

هنوز خبر هولناک را نشنیده

است

چه دورانی !

که سخن از درختان گفتن

کم و بیش

جنایتی ست .

چرا که از این گونه سخن

پرداختن

در برابر وحشت های بی شمار

خموشی گزیدن است !

نیک آگاهییم

که نفرت داشتن

از فرومایه گی حتا

رخساره ی ما را زشت می

کند .

نیک آگاهییم

که خشم گرفتن

بر بیدادگری حتا

صدای ما را خشن می کند .

دریغا !

ما که زمین را آماده ی

مهربانی می خواستیم کرد

خود

مهربان شدن

نتوانستیم !

چون عصر فرزاندگی فراز آید

و آدمی

آدمی را یاور شود

از ما

ای شمایان

با گذشت یاد آرید !

انقلاب سوسیالیستی اکتبر و حل مسئله ملی در

کشور شوراها .

به مناسبت انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷



بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اکتبر یعنی در دسامبر ۱۹۱۷ حکومت شوروی استقلال فنلاند و اوکراین را برسمیت شناخت . انقلاب اکتبر با پیشبرد سیاست اصولی مبنی بر سیاست برابر کامل همه خلقها حمایت آنها را نسبت به انقلاب اکتبر جلب کرد . حزب کمونیست دولت شوروی را بر پایه اتحاد داوطلبانه جمهوریهای آزاد ملی تشکیل داد . ضد انقلابیون و دشمنان طبقاتی زحمتکشان می کوشیدند بین خلقهای ساکن روسیه نفاق و تفرقه افکنند . اما کارگران و زحمتکشان همه خلقهای روسیه از انقلاب اکتبر پشتیبانی کرده و با حکومت شوروی اعلام همبستگی نمودند .

نخستین کنگره شوراهای سراسری اوکراین در دسامبر ۱۹۱۷ تشکیل شد و اوکراین را جمهوری شوروی اعلام نمود . بین جمهوری شوروی اوکراین و جمهوری شوروی روسیه اتحاد دوستانه و صمیمانه برقرار شد . اوکراین نخستین جمهوری ملی شوروی بود .

دولت پرولتری با تاکید هر چه بیشتر بر ضرورت رفع نابرابریهای خلقها عدم اعتمادی را که حکومت تزاری بعنوان نماینده سرمایه داران و ملاکان در میان خلقها ایجاد کرده بود را از میان برد و دوستی خلقها را پایه گذاری کرد .

ستم و بندگی آغاز گشت . انقلاب اکتبر به مثابه درخشان ترین نقطه عطف در تاریخ جهان سرآغاز انقلابات پرولتری شد . با انقلاب اکتبر ماشین دولتی کهنه درهم شکسته شد . و حکومت شورائی به منزله شکل جدید دولت پرولتری جایگزین آن گشت . با برقراری دیکتاتوری پرولتاریا دمکراسی نوین یعنی دمکراسی پرولتری حاکم شد و برای دومین بار در تاریخ جهان (بعد از کمون پاریس) دمکراسی برای اکثریت عظیم توده های زحمتکش برقرار گردید و توده ها حاکم بر سرنوشت خویش شدند . حکومت شوروی به خواسته های اساسی توده ها جامعه عمل پوشاند . مالکیت بر زمین ملغی گشت . تولید و توزیع کالاها تحت کنترل کارگران در آمد . کنترل ملی بر بانکها اعمال شد . از طرف حکومت شوروی تحت رهبری لنین آموزگار کبیر پرولتاریا و رهبر انقلاب پرولتری روسیه پیشنهاد صلح عادلانه و دمکراتیک به تمامی ملت های درگیر در جنگ امپریالیستی جهانی داده شد . انقلاب اکتبر صلح ، کار و آزادی را برای توده ها به ارمغان آورد . حکومت شوروی حق ملل در تعیین سرنوشت خویش را برسمیت شناخت .

انقلاب سوسیالیستی اکتبر اسارت خلقهای ستمدیده و محروم ساکن روسیه تزاری را پاره کرد و به این خلقها ، آزادی ، استقلال ، برابری ، رفاه و آسایش به ارمغان آورد . با به رسمیت شناخته شدن حق ملل در تعیین سرنوشت خویش تا حد جدائی و تشکیل دولت مستقل ، سیستم ستمگری ملی برچیده شد و اتحاد داوطلبانه و همبستگی انترناسیونالیستی مابین ملل مختلف روسیه جایگزین ناسیونالیسم و عداوت ملی گشت .

نود و پنج سال پیش انقلابی عظیم در یکی از مهمترین کشورهای جهان ژرف ترین تحولات اجتماعی را در دنیای بشریت بوجود آورد . و برای اولین بار در تاریخ بشریت ، پرچم ظفرنمون پرولتاریای پیروزمند روسیه به اهتزاز در آمد .

انقلاب سوسیالیستی اکتبر کار پرولتاریای قهرمان و محصول رهبری حزب پیشرو و پیشاهنگ آن حزب بلشویک بود . مراحل سخت مبارزه را با استقامت و پایداری سرافرازانه پشت سر گذارده و با کار مداوم در میان توده ها و سازماندهی قدرت کارگران و جلب حمایت اکثریت ستم دیدگان به قدرتمندترین پر نفوذترین و قابل اعتمادترین حزب روسیه مبدل گشته و با تدارک انقلاب پرولتری تا نیل به پیروزی به پیش تاخت .

با پیروزی قیام کارگران شهر پتروگراد در اکتبر ۱۹۱۷ انقلاب سوسیالیستی اکتبر پیروز شد . در مسکو و دیگر شهرهای روسیه نیز قیام های مشابهی روی داد . وقوع قیام در این شهرها ، عظیم ترین نبرد طبقاتی کارگران و زحمتکشان علیه حاکمیت بورژوازی را به نمایش گذاشت . با درهم کوبیده شدن نیروهای ضد انقلاب و بازداشت اعضای حکومت ضد انقلابی قیام پیروز شد و طبقه کارگر در اتحاد با دهقانان فقیر و تهیدست قدرت را به دست گرفت . قدرت و اراده خلل ناپذیر کارگران در شوراهای شان تبلور می یافت . شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان و سربازان به مثابه شکل دولتی دیکتاتوری پرولتاریا ، مقاومت استثمارگران را درهم کوبید . با پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر ناقوس مرگ نظام سرمایه داری بصدا در آمد و فصل نوینی در رهائی بشریت از قید استثمار ،

سومین کنگره شوراهای سراسری در ژانویه 1918 تصریح کرد که جمهوری روسیه بر پایه اتحاد داوطلبانه و آگاهانه ملت‌های آزاد، بصورت فدراسیون جمهوریهای ملی شوروی تاسیس می شود. دسامبر 1919، حکومت شوروی استقلال ملل کوچک استونی، لتونی و فنلاند را علیرغم این که تحت نفوذ سیاسی و مالی امپریالیستها بودند به رسمیت شناخت.

حکومت شوروی تحت رهبری حزب کمونیست، با پیشبرد سیاست اصولی و لنینی در مسأله ملی، زحمتکشان کلیه ملت‌های روسیه را که در گذشته زیر ستم قرار داشتند در مبارزه علیه ملاحظات امپریالیستها و ضد انقلابیون وابسته به آنها متحد می ساخت. ملل زحمتکش نیز به تجربه دریافتند که آزادی و استقلال ملی واقعی خلق‌های روسیه در گرو پایداری و استحکام حکومت شوروی است. آنها با حمایت همه جانبه از انقلاب اکتبر، فعالانه به مبارزه با ضد انقلابیون برخاستند. در جریان جنگ داخلی زحمتکشان ملیتهای مختلف که دوش به دوش هم در صفوف ارتش سرخ پیکار می کردند، با دفاع از دستاوردهای انقلاب اکتبر اتحاد هر چه بیشتری را میان خود تحکیم بخشیدند.

لنین در شرایط دولت کثیرالملله شوروی اندیشه‌های داهیانه مارکس و انگلس درباره امکان رشد غیر سرمایه داری خلق‌های عقب مانده بسوی سوسیالیسم را تحت رهبری حزب کمونیست بسط داد و غنی تر ساخت. خلق‌های قزاقستان، آسیای میانه، قفقاز و منطقه شمال با رهبری سنجیده حزب کمونیست شوروی بدون گذراندن مرحله سرمایه داری به سوسیالیسم هدایت شدند. سال 1921 حزب توده ای انقلابی مغولستان بیاری ارتش سرخ، نیروهای اشغالگر چینی و اعضای گارد سفید روس را رانده و قدرت سیاسی را در دست گرفت. جمهوری توده ای مغولستان نیز تحت رهبری پرولتاریا بدون طی سرمایه داری بسوی سوسیالیسم گام برداشت.

نابرابری حقوق خلق‌ها در نخستین روزهای حکومت شوروی ملغی شده بود. لنین در چهارمین سالگشت انقلاب اکتبر با افتخار اعلام کرد: "در کشور ما این مسایل (مذهب یا بی حقوقی زنان یا ستمگری نسبت به ملیتهای غیر روس) در آن در جهت بورژوا دمکراتیک تا آخر حل شده است... ما به همه ملیتهای غیر روس جمهوری

همچنین در این کنگره به مسأله اتحاد جمهوریهای شوروی توجه جدی شد. از آنجا که هیچ یک از این جمهوریها به تنهایی نمی توانست در برابر توطئه ها و سیاست های تجاوزگرانه امپریالیستها خود را از خطر سرکوب شدن حفظ نماید، کنگره اعلام نمود که "منافع مشترک اقتصادی، سیاسی و دفاعی اتحاد دولتی جمهوریهای جداگانه

ایران کشوریست کثیرالملله و طبقه کارگر و زحمتکشان ملیتهای مختلف مشترکا در زنجیر اسارات سرمایه داری و ارتجاع حاکم بر سر نوشتشان بسر می برند و دارای خواستهای مشترکی هستند و بر علیه نظام اقتصادی اجتماعی و سیاسی حاکم مبارزه می کنند. در نتیجه سیاست طبقات ارتجاعی حاکم بر این ملیتها. کارگران و زحمتکشان یعنی اکثریت محروم مردم در چهار گوشه ایران علاوه بر تحمل استعمار و بی حقوقی از ستم ملی و فرهنگی نیز رنج می برند و برای رفع آن مبارزه می کنند. سوسیالیسم یک زندگی جهانی را برسمیت می شناسد که در آن مرزها مفهومی ندارند. ما خواهان به هم پیوستن همه ملت‌ها بعنوان جامعه بشری هستیم. اما نه از طریق زور و اجبار بلکه بر بنیان انتخاب آزاد. جمهوری فدراتیو شورایی ایران که خود از اتحاد داوطلبانه کارگران و زحمتکشان مناطق. ملیتها و فرهنگ‌های مختلف تشکیل می شود. حق تعیین سرنوشت ملل را تا جدایی کامل برسمیت می شناسد.

شوروی را به مثابه یگانه راه نجات از اسارت امپریالیستی و ستم ملی الزام میکند. تجربه روسیه که انواع مختلف فدراسیونها را بکار بسته بود مناسب بودن فدراسیون را به مثابه شکل عمومی اتحاد دولتی جمهوریهای شوروی کاملا به اثبات رسانید. لنین در مورد مناسب بودن شکل فدراسیون برای اتحاد جمهوری های شوروی نوشت: "فدراسیون عبارت است از شکل انتقال به وحدت کامل زحمتکشان ملل گوناگون. هم اکنون فدراسیون صلاح بودن خود را خواه در مورد مناسبات جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه با سایر جمهوریهای شوروی (مجارستان، فنلاند و لاتوی در سابق و آذربایجان و اوکراین در حال حاضر) و خواه در داخل جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه در مورد ملیتهائی

خاص خودشان یا مناطق خود مختار خاص خودشان را داده ایم." (تاکید ها از لنین) اما برابری واقعی خلق‌ها با تامین پیشرفتهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آنها امکان تحقق داشت. برای برقراری برابری واقعی می بایست در مناطق ملی در مرحله اول صنایع ایجاد گردد. این کار مستلزم وقت زیاد، تلاش و کوشش پرولتاریا و خلق‌های پیشرو کشور شوروی و همچنین همبستگی و کمک صادقانه آنها به خلق‌های عقب مانده بود. کنگره دهم حزب کمونیست، مقامات حاکمیت و اداره اقتصاد، دادگاه، مطبوعات، مدرسه، تئاتر و غیره را که به زبان مادری فعالیت می کنند توسعه داده و تحکیم نمایند و تهیه کادر ملی را تسریع کنند.

که سابقاً نه موجودیت دولتی داشتند و نه خودمختاری (مثلاً باشقیرستان و تاتارستان در جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه که در سالهای 1919 - 1920 تشکیل شده اند) آشکار ساخته است .

(طرح اولیه تزه‌های مربوط به مساله ملی و مستعمراتی)

حملات مکرر دولتهای امپریالیستی علیه کشور شوراها ضرورت آمادگی دائم برای دفاع از میهن سوسیالیستی را به زحمتکشان جمهوریهای شوروی یاد آوری می کرد . خلقهای شوروی که در مبارزه متحدشان برای استقرار و تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا و برای ساختمان سوسیالیسم با هم متحد گشته بودند ، در جهت ایجاد وحدت دولتی نیز می کوشیدند . از سوئی اتحاد همه جمهوریهای شوروی برای مقابله با امپریالیستها و از سوئی دیگر برای دفاع پیروزمند از دستاوردهای انقلاب کبیر اکتر ، ضرورت اتحاد در یک واحد جدائی ناپذیر را ایجاب می کرد .

با درک این ضرورت حزب کمونیست در سال 1922 تصمیم گرفت که : انعقاد قرار داد میان اوکراین و

بلوروس ، فدراسیون جمهوریهای ماورا قفقاز و جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه دربارهٔ تجمع آنها در " اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی " با حفظ حق خروج آزاد هر یک از آنها در ترکیب اتحاد لازم است .

ماههای اکتر ، نوامبر و دسامبر همان سال احزاب کمونیست اوکراین ، بلوروس ، آذربایجان ، گرجستان و ارمنستان موافقت خود را با سیاست وحدت جمهوری های شوروی در ترکیب اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اعلام نمودند . در دسامبر 1922 کنگره های شوراها همه جمهوریها نیز با این امر موافقت کردند . 30 دسامبر 1922 در مسکو نخستین کنگره شوراها اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تشکیل گردید . بدین ترتیب تحت رهبری حزب و به پیشوائی لنین

دولت کثیرالمله شوروی سوسیالیستی تاسیس گردید . تاسیس آن ادامه کار انقلاب اکتر بود . این دولت بر مبنای اصل داوطلبانه و بر اساس حفظ استقلال و حاکمیت ملی هر جمهوری شوروی عضو اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تشکیل یافت . تاسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پیروزی اندیشه لنین و سیاست ملی لنینی حزب کمونیست شوروی بود . پرولتاریای روسیه بدین ترتیب به همه

" برای پرولتر چه چیزی مهم است ؟ برای پرولتر نه فقط اهمیت ، بلکه ضرورت جدی نیز دارد که در مبارزه طبقاتی پرولتری حداکثر اعتماد افراد منسوب به دیگر خلقها را به دست آورد . برای اینکار چه چیزی لازم است ؟ برای اینکار فقط برابری ظاهری کافی نیست . برای اینکار باید با رفتار و گذشتهای خود درباره خلقهای دیگر به هر صورت باشد آن عدم اعتماد و رنجیدگی را که در گذشته تاریخی بوسیله حکومت ملت " عظمت طلب " در این خلقها ایجاد گردیده جبران نمود " لنین

زحمتکشان جهان ، راه حل مساله ملی ، از بین بردن نابرابری ملتها و خلقها و راه وحدت خلقها را در جهت پایه ریزی سوسیالیسم و کمونیسم نشان داد .

لنین پایه ریزی و استحکام ساختمان سوسیالیسم در شوروی را فقط به شرط برقراری دوستی خلل ناپذیر میان خلقهای اتحاد شوروی امکانپذیر می دانست و همواره بر رفع فوری نابرابری واقعی خلقهای عقب مانده و پرورش همه خلقها با روح انترناسیونالیزم تاکید می کرد . او در این باره نوشت :

" برای پرولتر چه چیزی مهم است ، برای پرولتر نه فقط اهمیت ، بلکه ضرورت جدی نیز دارد که در مبارزه طبقاتی پرولتری حداکثر اعتماد افراد منسوب به دیگر خلقها را به دست آورد ، برای اینکار چه چیزی لازم است ؟ برای اینکار فقط برابری ظاهری کافی

نیست . برای اینکار باید با رفتار و گذشتهای خود درباره خلقهای دیگر به هر صورت باشد آن عدم اعتماد و رنجیدگی را که در گذشته تاریخی بوسیله حکومت ملت " عظمت طلب " در این خلقها ایجاد گردیده جبران نمود " حزب بشویک به رهبری لنین با اتکا به اتحاد کارگران و دهقانان با تدارک یک قیام سراسری و سازمان یافته با عمال قهر انقلابی مقاوم استمارگران را درهم کوبید و با تصرف قدرت در دست شوراها سراسری کارگران و دهقانان تمامی دستگاه حکومتی و اداری کهنه را درهم شکست و اساس آن را ریشه کن نمود و بر ویرانه های آن پایه های شکل جدیدی از دولت را با تکیه بر سازمانهای شورائی بنیاد نهاد . هر چند که در طول ساختمان سوسیالیسم یک سری عوامل عینی و ذهنی منجر به تحولاتی شد که احیای سرمایه داری در شوروی و سرانجام فورپاشی آن را موجب شد اما تجربه انقلاب اکتر ، مشکلات و انحرافات که پرولتاریا در کشور شوراها با آن روبرو شدند نشان دهنده راه پر فرازو نشیبی است که پرولتاریای جهانی باید در مسیر مبارزه علیه سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم طی کند .

بکوشیم در سالگرد انقلاب اکتر با استفاده از درسها ، تجارب و آموزشهای آن یاد انقلاب کبیر اکتر را در مبارزات بی امان خود علیه هرگونه نا عدالتی و ستم و استثمار زنده نگاه داریم .

**جمهوری فدراتیو شورایی
ایران که از اتحاد داوطلبانه
کارگران و زحمتکشان
مناطق ، ملیتها و فرهنگهای
مختلف تشکیل می شود حق
تعیین سرنوشت ملل را تا
جدایی کامل برسمیت می
شناسد .**

**خلق قهرمان. کارگران و رفقای
مبارز با مشارکت و ارسال
گزارشات. نظریات و انتقادات
خود ما را در غنی تر ساختن هر
چه بیشتر نشریه یاری نمایند.**

**برای تماس با سازمان فدائیان
کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از
آدرسهای زیر تماس بگیرید**

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته تهران

tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karaj@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

مسئولین پالتاک

paltalkroom@fedayi.org

کمیته امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org

ریگای گه ل در فیس بوک

www.facebook.com/regaygal

فدائیان کمونیست در فیس بوک

[http://facebook.com/
sitefedayi](http://facebook.com/sitefedayi)



**گرامی باد یاد حیدر خان عمو
اوغلی (چکیده انقلاب) . چهره
درخشان تاریخ جنبش کمونیستی و
انقلابی ایران !**

روز رستاخیز

دور نیست. دیر نیست. روز رستاخیز خلق

روز شکستن لب های یخ زده

روز دمیدن خورشید صبحگاهان

دور نیست. دیر نیست. روز رستاخیز خلق

روز سرودن خونین حماسه ها

روز سرایش زمین افسانه ها

دور نیست. دیر نیست. روز رستاخیز خلق

روز گسستن زنجیر بردگی

روز شکستن دیوار تیرگی

دور نیست. دیر نیست. روز رستاخیز خلق

روز وحدت قلم و داس و پتک ها

روز خروش خشم. غریو تفنگ ها

دور نیست. دیر نیست. روز رستاخیز خلق

کار ، مسکن ، آزادی ، جمهوری فدراتیو شورایی !